

نقل می‌کنیم، ققطی می‌گوید: «برخی از حافظان علم در یمن، از مشایخ نقل نموده‌اند که روزی یک نسخه که برگ اول آن افتاده بود، به دست شخصی ادب دوست افتاد و از نظر متانت و ترتیب، مورد اعجاب او واقع گردید؛ لیکن کتاب را نشناخت و آن را همراه خود نموده و به زیارت مکه نائل شد؛ در آنجا به محفل چند نفر از ادباء رسید؛ کتاب را به آنان ارائه نمود و از نام کتاب و نگارنده آن، پرسش نمود؛ کسی ندانست؛ ولی یکی از آنان به او گفت: ابوالعلاء معری، شخص باهوش و حافظه است اگر کتابی را نزد وی خوانده باشند، حفظ می‌کند؛ تو اگر بدانجا روی شاید مشکل حل شود. آن شخص کتاب را برداشته و راهی معرة النعمان شده و به حضور ابوالعلاء رسید و مشکل خود را به وی در میان گذاشت؛ ابوالعلاء معری که نابینا بود، به او گفت: اندکی از کتاب را برای من بخوان او تا چند جمله را از مقطع کتاب خواند، ابوالعلاء نام کتاب و نگارنده را گفت و آن برگ یا برگ‌های ساقط شده را، از حفظ برای او خواند و او یادداشت نموده و کتاب خود را کامل نمود» [نقل به اختصار]. این کتاب، بنا بر متن نسخه چاپی، به احمد بن منصور (ابوالحسن)، اهداء گردیده است و بنا به نقل کاتب چلبی به «اتسز بن خوارزمشاه» تقدیم شده که یقیناً، نقل چلبی مبتنی بر واقعیت نیست؛ زیرا بین فارابی و اتسز، دو قرن فاصله است؛ ولی در مورد اولی، مصحح نسخه چاپی دچار حیرت گردیده و گمان به بیراهه برده است. اما واقع امر (ظاهراً) این است که احمد بن منصور، برادر نوح بن منصور سامانی است که با عصر و زادگاه نگارنده، سازگار است. احمد بن منصور، پادشاه نبوده؛ بلکه بنا به نقل قیس رازی در المعجم از شاهزادگان دانش‌پرور دودمان سامانی و ممدوح غزوانی لوکری، بوده است. ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام، از مؤلف تجلیل نموده و درباره وی و خواهرزاده‌اش (جوهری) می‌گوید: «این دو نفر ترک برای تنظیم و ضبط زبان عرب، قیام کردند که مانند آنان، کسی از عرب‌ترین عرب‌ها قیام نکرده است»؛ ذهبی، شعری درباره این کتاب آورده: «کتاب دیوان العرب xx أحلی جنأ من الضرب / أودعه منشته xx أكثر ألفاظ العرب / ما ضر من يحسته xx خمول ذکر فی النسب». (محمود مرعشی)

چاپ: سال ۱۹۱۲ در صیدا چاپ شده است؛ قاهره، مجمع اللغة العربية، محقق: احمد مختار عمر، چاپ اول، ۳ جلد، ۱۳۹۳-۱۳۹۴ق.

[انباه الرواة ۸۷/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی حوادث (۳۵۱-۳۸۰ق)، ص ۴۵۵؛ تاریخ التراث العربی، علم اللغة ص ۳۵۱؛ دیوان الأدب: مجمع اللغة العربية قاهره؛ الذخائر الشریة، کورکیس عواد ۶۶/۴؛ ریحانة الأدب ۲۶۱/۴؛ کشف الظنون ۷۷۴/۲؛ معجم الأدباء (۵ جلدی) ۱۵۸/۲ و ۲۰۷؛ المعجم فی معانی أشعار المعجم چاپ: بیروت ۲۳۱؛ الوافی بالوفیات ۳۹۵/۸]

۱. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۵۰۴-ف

المتمسک بحبل النبی الامی و الولی الوصی العبد عبدالرزاق بن نجف قلی رحم الله علیه و علی والدیه و حشرهم الله مع الائمة الاطهار؛ انجام: قالت الادیبة الفاضلة الفریدة العایشة الباغونی: فی هوا قمامت نصبوا xx اجسهم اشراک صید للفتی / و اعفر فی ثری اعتابه xx جنة العشاق کلنا و جنتی

خط: شکسته، نستعلیق، بی‌کاف، بی‌تا؛ گاهی معرب از خود دنبلی در ۱۲۲۶؛ معشی، در گ ۱ ر آمده که نسخه به خط عبدالرزاق بیک دنبلی است؛ تملک: ریحان موسوی در ربیع الاول ۱۳۱۶؛ کاغذ: فستقی رنگارنگ، جلد: تیماج مشکی، ۲۷۲گ، اندازه: ۲۱×۱۴سم [ف]

● دیوان الادب و میزان کلام العرب / لغت / عربی

d.-ul adab wa mizān-u kalām-il 'arab

فارابی، اسحاق بن ابراهیم، - ۳۵۰ قمری
fārābī, eshāq ebn-e ebrāhīm (-962)

اثر بسیار مهم و معتبری، از قرن چهارم هجری است و از نظر ترتیب، بدیع و بی‌سابقه است. مؤلف، دایی جوهری، صاحب صحاح اللغة، و کتاب او یکی از پایه‌های کتاب صحاح است. وی، کتاب خود را به «۷» بخش تقسیم نموده و نام هر بخشی را، کتاب نهاده است و هر کتاب را به ابوابی مشتمل ساخته: ۱. کتاب الأسماء من الصحیح؛ ۲. کتاب الأفعال من السالم؛ ۳. کتاب المضاعف؛ ۴. کتاب المثل؛ ۵. کتاب ذوات الثلاثة؛ ۶. کتاب ذوات الأربعة؛ ۷. کتاب الهمزة.

این کتاب به لحاظ اینکه بر اساس ابنیه اسماء و افعال نهاده شده است و همچنین مجرد و مزید فیه، صحیح و معتدل و ثلاثی، رباعی و خماسی، جدا از هم نگاشته شده، برای مبتدی، قابل استفاده نبوده و تنها یک منبع کاملاً تخصصی به شمار می‌آید. توضیح این نکته لازم است که این کتاب و نظایر آن، مانند کتاب الأفعال ابن قوطیه و کتاب‌های دیگری، با این کیفیت، که فقط نام آنها در فهرس باقی مانده است، صرفاً یک قاموس لغوی نبوده‌اند، بلکه متون درسی عالی همراه با دانش تصریف و فقه اللغة به شمار آمده‌اند که به عنوان منابع تغذیه مصنفان بعدی، اعم از ادیبان و اهل لغت قرار گرفته است. در قرن‌های بعد از تألیف کتاب دیوان الأدب، عده‌ای از دانشمندان لغوی، شیوه نگارش آن را در تفسیر لغات و ترتیب آن، پی گرفته‌اند که از معروف‌ترین آنان می‌توان به المصادر زوزنی (قرن ۵) و تاج المصادر بیهقی (قرن ۶) اشاره کرد. نگارنده کتاب، ظاهراً از محبین اهل بیت پیامبر است و در خطبه کتاب در ذکر مقام حضرت ختمی مرتبت می‌گوید: «... و أما العترة، فهي السفينة التي من ركبها نجا و بنا عنها تردى و هوى ...». در خصوص این کتاب و مؤلف آن، قدمای مورخان و تراجم‌نویسان، مطالب زیادی نوشته و اهمیت فراوانی قائل شده‌اند، لیکن در این مختصر، فقط داستانی از کتاب انباه الرواة، در اهمیت این کتاب

فرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخا)؛؛ جلد چهاردهم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان

DIA 276252

استاد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۲۰۱۲